

[A Persian translation of a letter from the Department of the Secretariat dated
27 December 2017 to an individual believer]

ترجمه‌ای از
از نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم
خطاب به یکی از احبّا
(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

۲۷ دسامبر ۲۰۱۷

ارسال از طریق الکترونیکی

سرکارخانم ...

...

دوست عزیز روحانی،

بیت العدل اعظم نامه مورّخ ۲۴ مارس ۲۰۱۷ شما خطاب به یکی از خادمین مرکز جهانی بهائی را دریافت نموده‌اند که در آن سئوالات خود راجع به دیدگاه جامعه بهائی در مورد تعصّب مذهبی و نحوه برخورد با آن در جهان را مطرح نموده‌اید. مقرر فرمودند به شرح ذیل مرقوم گردد، امید چنانکه شما را در پاسخگویی به این سؤال کمک کند.

تعالیم بهائی اصل یکتایی خداوند و وحدت جمیع ادیان را با صراحت کامل اعلام می‌دارد. حضرت بهاءالله تصریح می‌فرمایند که مردم عالم از هر نژاد و هر دینی بدون شک از یک منبع الهی الهام می‌گیرند و بندگان یک خداوند هستند، بنیان‌گذاران ادیان جهان، این مرییان بزرگ عالم انسانی، همگی در یک هدف مشترک که متحد نمودن نوع بشر و پیشرفت تمدن است شریک و سهیمند. [این هیاکل مقدّسه] "در یک هوا طائر و بریک بساط جالس و بریک کلام ناطق و بریک امر آمر" می‌باشند. حضرت بهاءالله مردم جهان را دعوت می‌فرمایند که به "عاشروا مع الأديان كلّها بالروح والريحان" عامل باشند و همچنین می‌فرمایند:

اليوم دين الله و مذهب الله آنکه مذاهب مختلفه و سبل متعدّده را سبب و علّت بغضا ننمایند. این اصول و قوانین و راه‌های محکم متین از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مشرق و این اختلافات نظر به مصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده.

به علاوه حضرت بهاءالله در مورد تأثیرات زیان‌بار تعصبات مذهبی این چنین انداز می‌فرمایند "ضغینه و بغضای مذهبی ناریست عالم‌سوز و اطفای آن بسیار صعب مگرید قدرت الهی ناس را از این بلای عقیم نجات بخشد" و بهائیان را دعوت می‌نمایند که بکوشند تا "جدال و نزاع مذهبی از بین اهل عالم مرتفع شود و محو گردد."

حضرت عبدالبهاء تأکید می‌نمایند که "ادیان الهی باید سبب وحدت بین بشر گردد و اسباب الفت و محبت باشد و مروج صلح عمومی گردد انسان را به کلی از تعصب‌ها بیزار نماید و روح و ریحان بخشد و به عموم بشر مهربانی کند فرق و امتیاز را از میان بردارد." و نیز می‌فرمایند "دین باید سبب الفت و محبت باشد اگر سبب کلفت گردد لزومی ندارد زیرا دین درمانست و اگر درمان سبب درد گردد لزومی ندارد." بنا بر این هدف دین واقعی پیدایش ثمرات مفیده می‌باشد و هرگاه به نام دین، نزاع و تعصب و نفرت ایجاد شود ناشی از تعبیرات نارسای بشری است که با تحری حقیقتی که در ذات هر دین است می‌توان بر این مشکل فایق آمد. همچنین می‌فرمایند "انشاءالله حمیت جاهلیه و تعصب مذهبی زائل شود. همه بشر با هم برادر گردند، نفوس در کمال اتفاق با هم معاشرت نمایند، ملل جهان سرانجام رایت حقیقت برافرازند، و ادیان عالم به خیمه وحدت رحمانیه وارد گردند زیرا اساس ادیان الهی حقیقت واحده است." (ترجمه)

تعصب مذهبی حائل و مانعی عظیم در راه پیشرفت و رفاه نوع بشر است. این تعصب همراه با دیگر تعصبات عدیده در ساختار اجتماع رخنه می‌کند و به نحوی سیستماتیک بر وجدان فردی و جمعی تأثیر می‌گذارد. تعصب دینی برآستی عمداً و اغلب از طریق دسیسه و تبلیغات با به کار بردن روش‌هایی که حقیقت را نادیده گرفته و منافع شخصی و دستورالعمل‌های سیاسی و غیره را ترویج می‌نماید مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. در مستقبل ایام یک سیستم حکومتی که درخور نوع بشری است که به مرحله بلوغ خود رسیده از چنین طرقی که موجب تفرقه‌افکنی بین مردم به منظور کسب و حفظ قدرت و ترویج منافع گروه‌هایی خاص یا قشری معین از اجتماع و به قیمت پایمال نمودن منافع دیگران و سوق دادن توده مردم به سوی "تعصب جاهلیت که مخرب بنیان مدنیت است" اجتناب خواهد کرد؛ بلکه در عوض برای اتحاد جمیع مردم کوشیده قابلیت‌ها و منابع را در جهتی سوق خواهد داد که "به اسباب آسایش و راحت و سعادت و معارف و تمدن و صنایع و عزت و شرف و علو منزلت جمعیت بشریه" منجر گردد.

بنا بر این نتایج مخرب تعصب مذهبی موجب نگرانی شدید جامعه بهائی است. یگانگی نوع بشر البته محور مرکزی همه تعالیم حضرت بهاءالله است و در عین حال روش اصولی کار و هدف نهایی دیانت بهائی می‌باشد. ابتلا به بیماری تعصب مذهبی سبب تأخیر اصلاح عالم که مقصد غایی آیین بهائی است می‌گردد. به علاوه جامعه بهائی خود برای مدت قریب دو قرن از عواقب مستقیم تعصب مذهبی به خصوص در زادگاه این آیین رنج برده است.

اما بهائیان اطمینان دارند که مردم جهان به مرور زمان می‌توانند بیاموزند که بلای تعصب مذهبی را تضعیف و مآلاً ریشه‌کن سازند. همهٔ مردمان باید از حق آزادی وجدان و عقیده و ابراز آن برخوردار باشند و موظف به رعایت همان حقوق در قبال دیگران می‌باشند. آن وقت است که می‌توانند با احترام متقابل با یکدیگر تعامل کنند، در ارزش‌های مشترک خود یک مقصد همگانی و وحدت عمل بیابند که به بنای جهان بهتری کمک کند. جامعهٔ بهائی به سهم خود می‌کوشد که الگوهای بی‌چنین مدارا، همکاری و دوستی را به طرق مختلف ترویج دهد.

بهائیان در مقام فرد می‌کوشند تا حیات روزانهٔ خویش را با تعالیم الهی تطبیق داده اصول آیین بهائی را در عمل به مورد اجرا گذارند. بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم می‌فرماید "افکار و اعمال شما باید آن‌چنان عاری از هرگونه تعصب اعم از نژادی، مذهبی، اقتصادی، ملی، قبیله‌ای، طبقاتی و یا فرهنگی باشد که حتی بیگانه نیز شما را دوست مهربان انگارد." اطفال بهائی از ابتدای کودکی می‌آموزند که اساس همهٔ ادیان الهی یکی است، بنیان‌گذاران همهٔ ادیان را قبول داشته باشند و نسبت به آنان مانند بنیان‌گذار دین خود عشق بورزند و با پیروان همهٔ ادیان و یا کسانی که پیرو هیچ دینی نیستند با روح دوستی و شفقت معاشرت کنند.

بهائیان ضمن اجرای امور جامعهٔ بهائی می‌آموزند که از موانع سنتی متداول در اجتماع که موجب جدایی مردم می‌گردد از جمله کشمکش بین افراد از پیشینه‌های مذهبی مختلف فراتر روند. حضرت شوقی افندی می‌فرماید که "هر جامعهٔ سازمان‌یافته تحت لوای حضرت بهاء‌الله باید تقویت، تشویق، حمایت و حراست هر اقلیت مذهبی، نژادی، طبقاتی یا قومی درون خود را اولین وظیفهٔ مهم و گریزناپذیر خویش بداند." (ترجمه) نمونهٔ آن تشویق همهٔ اقلیت‌ها از جمله اقلیت‌های مذهبی به مشارکت در امور جامعه است. مثلاً حضرت شوقی افندی در بحث از اثرات مخرب تعصب فرموده‌اند که "اگر تبعیضی روا باشد نباید بر علیه بلکه باید به نفع و در جهت حفظ مصالح اقلیت نژادی، طبقاتی و غیره به کار برده شود." (ترجمه) روش انتخابات بهائی نمادی است از این تعهد به تشویق اقلیت‌ها بدین معنا که وقتی دو نفر رأی مساوی می‌آورند و یکی از آنان متعلق به گروه اقلیت است آن شخص بی‌درنگ بدون لزوم رأی‌گیری مجدد از اولویت برخوردار می‌شود.

به علاوه، بهائیان در شهرها و دهکده‌ها در سراسر کرهٔ ارض به تأسیس الگویی از زندگی اشتغال دارد که تعداد فزاینده‌ای از مردم، بدون توجه به پیشینهٔ آنان، دعوت می‌شوند تا در آن مشارکت نمایند. این الگو که نمایانگر انسجامی پویا بین ابعاد مادی و معنوی زندگی می‌باشد شامل کلاس‌هایی است برای تعلیم و تربیت روحانی کودکان که در آن درکی عمیق از وحدت بنیادین ادیان جهان کسب می‌کنند؛ گروه‌هایی برای کمک به نوجوانان تا بتوانند این مرحلهٔ حساس و مهم از زندگی خود را هدایت کنند و در مقابل قوای مخرب که به خصوص آنان را هدف قرار داده استادگی نمایند؛ حلقه‌هایی برای مطالعه که شرکت‌کنندگان دربارهٔ ماهیت روحانی عالم هستی تفکر و تأمل می‌نمایند و قابلیت خدمت به جامعه و اجتماع را کسب می‌کنند؛ گردهمایی‌هایی برای عبادت دسته‌جمعی که خصیصهٔ نیایشی جامعه را تقویت می‌کند؛ و در زمان مناسب انواع فزاینده‌ای از مجهودات برای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی. این الگوی حیات جامعه منتهی به ایجاد جوامع پویا و هدفمند جدیدی می‌گردد که

در آن روابط بر اساس یگانگی نوع بشر، مشارکت عمومی، عدالت، ورهایی از تعصب استوار گشته است. این جامعه به روی همه باز است. فرایندی که در حال شکل‌گیری است در پی ترویج همکاری بین گروه‌ها و قابلیت‌سازی افراد است تا همگی بدون در نظر گرفتن طبقه یا پیشینه مذهبی، بدون توجه به قومیت یا نژاد، صرف نظر از جنسیت یا وضعیت اجتماعی بپا خیزند و به پیشبرد تمدن کمک نمایند.

موضوع دیگری که جامعه بهائی تدریجاً به آن توجه بیشتری می‌نماید مشارکت در گفتمان‌هایی است که اثرگذار بر رفاه و آسایش عالم انسانی می‌باشد. کوشش‌های جامعه بهائی در این مورد به سوی اشتغال به گفتگوهای در فضاهای گوناگون در سطح ملی و بین‌المللی و نیز همکاری با سازمان‌ها و افرادی که طرز فکر مشابه دارند هدایت شده است تا در صورت امکان فرایندهای مشورتی و اصول بنیادینی که بتوان در مورد آن به توافق و تفاهم متقابل رسید استخراج گردند. برخی از این گفتمان‌ها از جمله نقش دین در اجتماع، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مذهبی، آزادی دین یا عقیده، ضرورت غلبه بر چالش تعصب مذهبی را مستقیماً مورد توجه قرار می‌دهد.

در پرتو این نکات، جامعه بهائی یکی از مروجین ویژه و جدی فعالیت‌های بین‌ادیان از زمان آغاز آن بوده و برای افزایش تفاهم و همکاری میان‌ادیان در کنار دیگران کار کرده است. موفقیت‌های جنبش تفاهم بین‌ادیان در نامه مورخ آوریل ۲۰۰۲ بیت العدل اعظم خطاب به رهبران ادیان جهان منعکس است. در این نامه همچنین تأکید شده که کوشش‌های این جنبش تا به امروز هرچند سازنده بوده ولی برای پاسخگویی مؤثر به چالش‌های فزاینده تعصب و افراطی‌گری مذهبی کافی نبوده و نیاز به اقدامات بیشتری می‌باشد. "با گذشت هر روز این خطر فزونی می‌یابد که شعله تعصبات دینی چنان آتشی در سراسر جهان برافروزد که عواقب موحش آن خارج از حد تصور است" و بیت العدل اعظم بر توجه جدی به چالشی که این مسئله برای رهبران ادیان جهان مطرح می‌سازد تأکید نموده‌اند.

اساساً قسمت عمده‌ای از تلاش‌های جامعه بهائی متوجه علت اصلی تعصب دینی یعنی جهل و نادانی می‌باشد. بیت العدل اعظم فرموده‌اند که "تداوم بخشیدن به جهل و نادانی از غم‌انگیزترین انواع جور و ستم است و موجب استحکام و ابقای تعصبات گوناگون می‌گردد، تعصباتی که مانعی در راه تأسیس وحدت عالم انسانی است.... دسترسی به دانش حق هر یک از افراد بشر است و مشارکت در ایجاد، به کارگیری و انتشار دانش مسئولیتی است که هر فردی بر حسب استعداد و توانایی خود باید به جهت شرکت در مشروع عظیم بنای یک مدنیت جهانی بر عهده گیرد." این گرایش به ویژه در تمرکز جامعه بهائی بر امر تعلیم و تربیت که از آغاز این دیانت از مسائل اصلی بوده، در تلاش این جامعه برای پرورش آگاهی و قابلیت فزاینده افراد جهت تشخیص تعصب و مقابله با آن، در استفاده‌اش از فرایندهای مشورتی در همه امور، و در تعهدش نسبت به نظام‌های دوگانه علم و دین که لازمه پیشبرد تمدن می‌باشد متجلی بوده و هست. به علاوه توسعه و پرورش حیات عقلانی و تحرری مستقل حقیقت که در آثار بهائی بسیار ارزشمند شمرده شده به افراد توانایی می‌دهد تا حقیقت را از کذب تشخیص دهند، که تشخیصی است بسیار ضروری اگر قرار باشد تعصبات، عقاید خرافی، و سنن فرسوده مانع اتحاد ریشه‌کن گردد.

حضرت عبدالبهاء در این خصوص اطمینان می دهند که "چون تحرّی حقیقت گردد عالم انسانی از ظلمات تقالید رهایی یابد."

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم